



دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

# پسر دیرآموز من



دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

پسر دیرآموز من

تألیف: مهوش کیانارثی

تألیف: مهوش کیانارثی

## My son is a slow learner

By: Mahvash kianersi

مادر یک جوان دیرآموز هستم. می‌خواهم از تجربه‌های زندگی با پسر من پویا در سال‌های کودکی و نوجوانی او بگویم. دیرآموزان انسان‌هایی صادق، پرعاطفه و زودباورند. صداقت همراه با عطف از آنان انسان‌هایی متفاوت از بقیه می‌سازد. انسان‌هایی که زندگی را از جهان چشم خود می‌بینند. هدف تلاش‌های من و همسر من که از داشته‌ها و نداشته‌های پسرمان ریشه می‌گیرد، رشد و پیشرفت پویا و رساندن او به یک زندگی با حداقل وابستگی به ماست. تجربه زندگی‌مان را با شما به اشتراک گذاشته‌ایم و امیدواریم خانواده‌هایی هم که فردی دیرآموز بین خود دارند دیگران را در تجربه خود شریک کنند.



انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۴۴۲-۸۲-۲  
قیمت: ۱۶۰۰۰۰ ریال



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

# پسر دیر آموز من

تألیف:

مہوش کیان ارثی

سرشناسه	: کیان ارثی، مهوش، ۱۳۳۲ -
عنوان و نام پدیدآور	: پسر دیر آموز من / تالیف مهوش کیان ارثی.
مشخصات نشر	: تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۱۲۸ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۶۴۴۲-۸۲-۲
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
موضوع	: کیان ارثی، مهوش، ۱۳۳۲ -- خاطرات
موضوع	: کودکان کندآموز -- ایران -- آموزش و پرورش -- مشارکت والدین
موضوع	: Slow learning children -- Education -- Parent participation -- Iran
شناسه افزوده	: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی
شناسه افزوده	: University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences
رده‌بندی کنگره	: LC۴۶۹۷/الف۱۹۹ک ۱۳۹۶
رده‌بندی دیویی	: ۳۷۱/۹۲۶۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۷۸۹۷۴۷



دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

نام کتاب: پسر دیرآموز من

تألیف: مهوش کیان ارثی

ویراستار ادبی: نرگس مرادی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۴۴۲-۸۲-۲

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد.

چاپ چهارم: ۱۳۹۷

چاپ: ارشیا

ناشر: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

نشانی: اوین، بلوار دانشجو، خیابان کودکان، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

تلفکس: ۲۲۱۸۰۰۸۱

### با قدردانی از همکاری

● صفحه‌آرا: گروه گرافیکی ارشیا ● طراحی جلد: گروه گرافیکی ارشیا

همه‌ی حقوق نشر برای ناشر محفوظ است؛ هرگونه استفاده از متن به هر صورتی در قالب کتابچه، جزوه، تهیه CD آموزشی، تهیه نرم‌افزار، استخراج آزمون، ترجمه به دیگر زبان‌ها و استفاده از مطالب کتاب، اشکال، تصاویر و... بدون اجازه‌ی کتبی از ناشر غیر قانونی است.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۹	مقدمه
۱۱	اولین نشانه‌های طبیعی نبودن رشد
۱۲	چرا خاطراتم را می‌نویسم؟
۱۴	در تلاطم بین گذشته و حال
۱۴	توصیه‌ی مفید همسر
۱۷	<b>فصل اول: آموزش</b>
۱۷	خواندن و نوشتن
۱۹	یادگیری اعداد
۲۰	عدم تمرکز
۲۱	شانس دوم ما
۲۱	حفظ محیط زیست
۲۲	مدرسه‌ی استثنایی
۲۴	حافظه‌ی خوب
۲۵	کلاس تقویتی
۲۶	بارقه‌ی امید
۲۷	مشکل انجام حرکات ظریف
۲۸	درس خواندن در مدرسه‌ی عادی
۲۹	شناخت پول و ساعت
۳۱	رفت و آمد مستقل
۳۳	پایان آموزش تحصیل رسمی
۳۳	به خود گفتم دیگه گریه کردن بسه!

- ۳۶..... یک تجربه‌ی ویژه.....
- ۳۹..... تجربه‌ی دوره‌های آموزشی مختلف.....
- ۴۰..... آموزش شنا.....
- ۴۴..... مقاومت در برابر آموزش مستقیم.....
- ۴۵..... کسب مهارت با گفتاردرمانی.....
- ۵۱..... **فصل دوم: ویژگی‌های شخصیتی**.....
- ۵۳..... زودباوری.....
- ۵۳..... رُک و راحت بودن.....
- ۵۶..... عجول بودن و عوارض آن.....
- ۵۸..... روحیه‌ی شاد پویا.....
- ۵۸..... عشق به حرف زدن.....
- ۶۰..... روابط تلفنی.....
- ۶۲..... ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات مخصوص پویا.....
- ۶۳..... مقرراتی بودن.....
- ۶۵..... عادت‌های خاص پویا.....
- ۶۶..... انعطاف‌ناپذیری.....
- ۶۸..... توان و ناتوانی متناقض.....
- ۶۹..... **فصل سوم: زندگی اجتماعی**.....
- ۶۹..... ظاهر عادی.....
- ۷۰..... ریشه‌ی کم‌توانی ذهنی افراد دیرآموز.....
- ۷۳..... یک رابطه‌ی برابر و نزدیک.....
- ۷۳..... سوءاستفاده کردن و آزار دادن.....
- ۷۴..... گرفتن مدرک معافی از خدمت سربازی.....
- ۷۵..... مسئله‌ی ازدواج.....
- ۷۶..... المپیک ویژه‌ی ایران؛ المپیک‌ی خاص افراد کم‌توان ذهنی.....
- ۷۸..... زندگی تا حد ممکن شخصی، مستقل و اجتماعی.....

۸۱	فصل چهارم: چگونه از زندگی مان لذت ببریم؟
۸۴	تأمین آرامش برای خودم.....
۸۵	همیاری با همسر و کسب انرژی از زندگی .....
۹۵	فصل پنجم: چقدر باید بدانند؟ .....
۹۵	آیا باید بدانند؟.....
۹۶	آیا احتمال صدمات روحی هست؟.....
۹۹	گفت‌وگو با دکتر بهروز دولتشاهی، روان‌شناس بالینی.....
۱۱۲	گفت‌وگو با پویا.....



ممنونم از دوست عزیزم دکتر یاسمن متقی‌پور که سال‌ها قبل از اینکه نوشتن این خاطرات را شروع کنم مرا به آن تشویق می‌کرد. و هم ممنونم از او که تا زمانی که نوشتن این خاطرات تمام شود سه بار تمام آن را خواند و با نظرهای انتقادی و تکمیلی‌اش همراهم بود.

همچنین ممنونم از محبت دوستان و آشنایانی که کار مرا با پیشنهادهای‌شان پربارتر کردند: فاطمه ولیانی آزاد، آلوارت تروسیان، آرسینه ماردیروسیان، دکتر مریم تجریشی و دکتر سیده مریم نبی‌پور اشرفی.

از دوست نازنینم مریم کیا سپاسگزارم که در روزهای طبیعت‌گردی که پویا همراهان می‌شد تلاش می‌کرد او را به عکاسی علاقه‌مند کند و با معرفی دکتر نبی‌پور، بار قلب و ذهن ما را سبک‌تر کرد.

و ممنونم از همسرم، پیروز کلانتری، که همیشه در کنار هم زندگی را در دنیای "پویا" جستجو کردیم.

[mkianersi@yahoo.com](mailto:mkianersi@yahoo.com)



من مادر یک جوان سی و یک ساله‌ی دیرآموز هستم. می‌خواهم از خاطرات سال‌های کودکی و نوجوانی پسرم بگویم؛ خاطراتی که همیشه با من هستند. حالا که تصمیم گرفته‌ام آن‌ها را بنویسم به سرعت مثل فیلمی از جلوی چشمانم رد می‌شوند. خودشان را از سال‌های زندگی‌م به زمان حال من می‌رسانند تا گفته شوند.

من روان‌شناس نیستم. مادری هستم که در تعریف واژه‌ی دیرآموز از تجارب زندگی‌ام و نیز مشورت با متخصصان استفاده می‌کنم. پس اول از «دیرآموز» شروع می‌کنم. شاید شناخت کمی از این کلمه داشته باشید. شاید هم اولین بار است که با این واژه روبرو می‌شوید.

دیرآموز، فردی است با هوش بهر ۷۰ تا ۸۹. متخصصان از دیدگاه روان‌شناختی به آنان افراد «مرزی» هم می‌گویند. مهم‌ترین ویژگی دیرآموزان، کمبود توجه و تمرکز آنان، نسبت به همسالان است. آن‌ها توان فراگیری دارند، اما برای یادگیری، نیازمند معلمانی هستند بسیار صبور، باتجربه و آشنا به شرایط دیرآموزی. معلمانی که با عشق و علاقه به دانش‌آموزان، سر کلاس بیایند و از تکرار مواد آموزشی خسته نشوند.

افراد دیرآموز، انسان‌هایی صادق، پرعاطفه و زودباورند؛ ویژگی‌هایی که آنان را در روابط با دیگران آسیب‌پذیر می‌کند، ولی صداقت همراه با عطف به آنان روحیه‌ی خاصی می‌بخشد. از آنان انسان‌هایی متفاوت از بقیه می‌سازد. اگر ما هم بتوانیم زندگی‌مان را از زاویه‌ی دید آن‌ها نگاه کنیم، دنیای‌مان آرام‌تر و زیباتر خواهد شد.

این نوشته، خاطرات مادری است که بعد از سال‌ها تلاش برای فراهم کردن یک زندگی اجتماعی و انسانی برای فرزند دیرآموز خود، به این نتیجه رسیده است که فعالیت‌های او و

همسرش برای رسیدن به مقصود به تنهایی کافی نیست؛ مصداق همان ضرب‌المثل معروف «یک دست صدا ندارد».

آن سال‌ها نمی‌توانستم این فکر را از سرم بیرون کنم که فقط از یک‌چهارم تلاش‌های مان برای پیشرفت و رفع کم‌توانی‌های پسر من نتیجه‌ی مثبت می‌گیریم و بقیه‌ی سه‌چهارم تلاش‌های ما، بدون نتیجه هدر می‌رود. بنابراین تصمیم گرفتیم با گرفتن مجوز تشکیل یک انجمن غیردولتی با کمک دیگر خانواده‌هایی که فرزند دیرآموز داشتند (که البته باید پیدایشان می‌کردیم) حداقل شرایط یک زندگی انسانی را برای آنان فراهم کنیم. آن زمان پسرمان تحت نظر روان‌شناسی بود که وجودش برای ما یک گنجینه‌ی گرانبها بود (در فصل‌های بعدی به چگونگی آشنا شدن ما با ایشان خواهیم پرداخت). زمانی که تصمیم خودمان را با او در میان گذاشتیم بسیار خوشحال شد. کاملاً موافق بود و به ما گفت: «شما این کار را شروع کنید. من هم پشت‌تان هستم و هر کاری از دستم بریاید دریغ نمی‌کنم».

هم‌زمان با تلاش برای گرفتن آن مجوز و در جستجوی یافتن مرکزی قابل اعتماد که بتوانیم پسرمان را برای فعالیت‌های روزانه به آنجا بفرستیم، با گروهی دیگر از خانواده‌های دارای فرزند دیرآموز آشنا شدیم. آن‌ها نیز در پی کسب مجوز بودند. نتیجه این شد که تا سال‌ها من و همسر من در دو انجمن که از افراد دیرآموز حمایت می‌کنند، فعال بودیم و پسرمان نیز از خدمات هر دو انجمن (انجمن خورشید و انجمن سُه‌ها) استفاده می‌کرد. همین‌جا بهتر است شما را با اهداف و فعالیت‌های هر دو انجمن به طور خلاصه آشنا کنم. انجمن «حمایت از حقوق توانخواهان دیرآموز خورشید» برای کاهش مشکلات ناشی از وضعیت ویژه‌ی افراد دیرآموز و فراهم کردن امکانات رشد ذهنی، شخصیتی و اجتماعی آنان از طریق حرفه‌آموزی، افزایش توانایی‌های آنان با آموزش‌های توانبخشی در رشته‌های مختلف و فرهنگ‌سازی برای شناخت جامعه از وضعیت افراد دیرآموز، یک مرکز حرفه‌آموزی با پنج رشته‌ی کارگاهی تولید معرق چوب، معرق کاشی، زیورآلات، چرم و تزیین ظروف سفالی راه‌اندازی کرده است.

این را هم باید اضافه کنم در زمانی که با خانواده‌ها در مورد انتخاب اسم انجمن خورشید صحبت می‌کردیم و خیلی حساس بودیم که کلمه‌ای با بار ارزشی منفی انتخاب نکنیم، بعد از بحث‌های مفصل با همفکری به واژه‌ی دیرآموز رسیدیم که همه با آن موافق بودیم.